

## Pathology of Temporary Marriage in Leiden Encyclopedia with Islamic Approach

 Azam Yazdanparast

### Abstract

One of the most recent works by orientalist and Qur'anic scholars on the Qur'an and its sciences is the Leiden Encyclopedia in five volumes and one thousand entries. One of his articles is "Temporary Marriage" by Shahla Haeri. Temporary marriage (mut'a) is one of the types of marriage: a bilateral agreement between a man and a woman based on a specific period and a known seal. But Haeri has contradictory views on this issue in the Qur'an; In some cases, it attacks Shiite principles and bases, making baseless and unwise statements to instill various doubts. Therefore, the necessity of defending the beliefs and rules of Islam requires that the scientific and research critique of Shahla Haeri, based on Islamic views, be addressed in accordance with the principle of fairness; Contribute to the transformation of the dark space of accusations into the space of the realistic method of human society from this heavenly book. Hence the encyclopedia researcher Leiden and the author of the article "Temporary Marriage" introduces; Describes the angles of the article with a descriptive-analytical-library method; He then points to the abundance of sources forbidding life in Sunni works, Haeri's lack of reference to sources close to the time of revelation, and the lack of any resemblance between temporary marriage and prostitution; Finally, Shahla Haeri's dissenting view undermines the fairness and impartiality.

**Keywords:** Marriage, Temporary Marriage, Leiden Encyclopedia, Quran.

## آسیب‌شناسی مقاله ازدواج موقت در دایره المعارف لیدن با رویکرد اسلامی

اعظم یزدانپرست<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰

### چکیده

یکی از مقالات دایره المعارف لیدن «ازدواج موقت» به قلم شهلا حائری است. ازدواج موقت (متعّه) یکی از اقسام نکاح است. پیمان طرفینی بین زن و مرد بر پایه مدت مشخص و مهر معلوم. اما حائری دیدگاه‌های متناقضی درباره این موضوع درون قرآنی دارد؛ در برخی موارد اصول و مبانی شیعه را مورد هجمه قرار می‌دهد، اظهار نظرهای بی‌پایه و غیر عالمانه جهت القا شبهات متعدد دارد.

لذا ضرورت دفاع از عقاید و احکام اسلام می‌طلبد با رعایت اصل انصاف به نقد علمی و محققانه نوشته شهلا حائری، براساس آرا اسلامی پرداخته شود؛ سهمی در تبدیل فضای تاریک اتهام‌ها به فضای روش واقع‌نگری جامعه بشری از این کتاب آسمانی داشته باشد. از این رو محقق با روش توصیفی، تحلیلی - کتابخانه‌ای به بررسی زوایای مقاله می‌پردازد؛ ایراداتی چون قرارداد مالی نبودن ازدواج موقت، سنت عربی نبودن آن و عدم وجود تمتع جنسی در ماهیت متعه، عدم رجوع حائری به منابع نزدیک به عصر نزول و نبود هیچ شباهتی بین ازدواج موقت با روسپیگری اشاره می‌کند.

**کلید واژگان:** ازدواج، ازدواج موقت، دایره المعارف لیدن، قرآن، شبهات قرآنی مستشرقان.

۱. اعظم یزدان پرست طلبه سطح ۴ حوزه های علمیه خاوران azamyazdanparast@yahoo.com

## مقدمه

ازدواج در زندگی انسان‌ها امر ضروری و لازم است. تشکیل خانواده، اولین واحد و ساختمان اجتماع بشری می‌باشد که در سایه آن جامعه و انسان به رشد و کمال می‌رسد. اما در موارد ناممکن ازدواج دائم، اسلام ازدواج موقت را پیشنهاد می‌کند. ازدواج موقت (متعه) یکی از اقسام نکاح است؛ پیمان طرفینی بین زن و مرد بر پایه مدت مشخص و مهر معلوم؛ زیرا آن چه که از منظر یک مسلمان بصیر خصوصاً در مکتب متین و معقول شیعه مورد توجه است، دقت در مصالح و مفاسد نسبت به احکام وضعی و تکلیفی و مبانی تعقلی آن خصوصاً نسبت به مسائل اجتماعی و غیر عبادی است.

اما از منظری دیگر معمولاً قرآن شناسان با هر نیتی که به تحقیق درباره قرآن می‌پردازند، نیت آنها خالی از شبهات و القائات نخواهد بود؛ هر چند نیت شان خصمانه نباشد، اما تحقیقاتشان با تحقیقات علمی مسلمانان متفاوت خواهد بود. چرا که با نگاهی برون‌دینی به مطالعه درباره اسلام و بالخصوص قرآن می‌پردازند. قرآن‌پژوهی خاورشناسان با انگیزه دینی - تبشیری آغاز شده است؛ به این معنا که اسلام یا قرآن به گونه‌ای مطالعه شود که، خواننده مطالبی علیه قرآن و اسلام را برداشت کند؛ نتیجه به نفع مسیحیت یا یهودیت ختم شود.

مقالات دایره‌المعارف قرآن لیدن از این امر مستثنی نیست. یکی از جدیدترین آثاری که خاورشناسان و قرآن پژوهان درباره قرآن و علوم آن تدوین نموده اند، دایره‌المعارف لیدن در پنج جلد و هزار مدخل است. نویسنده قرآن پژوه مقاله ازدواج موقت در دایره‌المعارف قرآن لیدن، نظرات و دیدگاه‌های متفاوتی درباره این موضوع قرآنی ابراز کرده است؛ در برخی موارد، اصول و مبانی شیعه را مورد هجمه قرار داده و اظهار نظرهای غیرعالمانه‌ای را بیان داشته است.

از این رو ضروری می‌نماید جهت حفظ قرآن و جلوگیری از تحریف معنوی آن با رعایت اصل انصاف و واقع نگری، در حد توان به نقد علمی و محققانه دیدگاه‌های وی براساس آرا و مبانی شیعه بپردازد؛ تندروی‌ها را از دامان اسلام بزدايد، شبهات و اشکالات مخالف را پاسخ

دهد، توجیه‌های غلط غیرعالمانه و ناآگاهانه را کنار بزند تا سهمی در تبدیل فضای تاریک اتهام‌ها به فضای روش واقع‌نگری جامعه بشری به این کتاب آسمانی داشته باشد.

تنها نقد وارد بر آن را، آقای محمد مهدی کریمی با بازگویی تعریف متعه، جایگاه آن، انواع نکاح قبل از اسلام، بررسی آیه متعه، بررسی حقوقی متعه در ایران و امکان وقوع آن، تعدد زوجات و اهمیت ازدواج موقت از منظر دانشمندان غیرمسلمان به رشته تحریر در آورده است.

به رغم تلاش شایسته ایشان، برخی شبهات پابرجاست، بررسی زوایای دیگری بیان نشده و خلاهایی هنوز مانده است. لذا مقاله حاضر در ابتدا با روش توصیفی - تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای، دایره‌المعارف قرآن لیدن را مختصراً توضیح می‌دهد؛ نگاهی گذرا به نویسنده مقاله دارد؛ سپس به برخی کاستی‌ها و اشکالات می‌پردازد. حاصل آن که تاثیر تفکرات فمنیستی دکتر حائری در مقاله‌اش موج می‌زند و با اسلام بیگانه است.

### دایره‌المعارف قرآن لیدن (EQ) Encyclopedia of the Quran

یکی از جدیدترین آثاری که خاورشناسان و قرآن پژوهان غیرمسلمان درباره قرآن و معارف والای آن در سال‌های اخیر تدوین نموده‌اند، دایره‌المعارف قرآن لیدن است؛ دایره‌المعارفی که به آینده و گذشته نگریسته است. (مودب، سیدرضا، ۸۲، ۲۶۷-۲۸۵؛ بهار دوست، ۱۳۸۲، ۵۳-۵۲؛ کریمی نیا، ۱۳۸۳، ۳۳-۳۱). تألیف آن در پنج جلد در دو هزار و نهصد و نوزده صفحه - تا سال ۲۰۰۶ م - در مدت سیزده سال به اتمام رسید. حدود هزار عنوان از واژه‌های کلیدی قرآن را به عنوان مدخل‌های این دایره‌المعارف برگزیده‌اند؛ هر جلد حدود ششصد صفحه است، نمایه‌ای بیش از هشتصد صفحه دارد ناشر این مجموعه انتشارات بریل هلند است؛ آثارش در زمینه اسلام شناسی \_ علوم اسلامی، ادبیات عرب، ادبیات فارسی \_ شهرت دارد (مودب، ۸۷، ۱۰۷) دایره‌المعارف قرآن در مجموع شامل حدوداً ۷۰۰ مدخل کوتاه و بلند می‌شود. در سال‌های اخیر، جلد ششم نیز اضافه شد؛ بخش نخست جلد ششم (نمایه) به معرفی

نویسندگان همکار با این دایره‌المعارف همراه با نام دانشگاهی که در آن مشغول به تحقیق و تدریس‌اند و نام مدخل‌هایی که نوشته‌اند اختصاص دارد. (خندق آبادی، ۱۳۹۲)

مدخل‌ها در دایره‌المعارف قرآن با نظم الفبایی متداول به دو گونه آورده شده‌اند؛ مقالات مربوط به اشخاص، مفاهیم، اماکن، ارزش‌ها، اعمال و وقایعی که یا در درون متن قرآن یا مرتبط با آن می‌باشد؛ دسته دوم از مقالات با موضوعات مهم در زمینه پژوهش‌های قرآنی است.

سر ویراستار این دایره‌المعارف خانم جین دمَن مک اولیف است. چهارتن از معروف‌ترین قرآن پژوهان و اسلام‌شناسان غربی، - کلودژیلیو، از دانشگاه اکس پراونس (فرانسه)، ویلیام گراهام از دانشگاه هاروارد (آمریکا)، و داد قاضی از دانشگاه شیکاگو (آمریکا)، آندرو ریپین از دانشگاه ویکتوریا (کانادا) - وی را در این راه یاری کردند. هم‌چنین مونیک برناردز و ولیچ من از دانشگاه گرونینگن (هلند) و جان نواس از دانشگاه کاتولیک لیوون، هیئت ویراستاران اصلی را یاری دادند. (رضایی اصفهانی، پاییز وزمستان ۱۳۸۵، ص ۵۸)

بررسی مقالات نشان می‌دهد: مسئولان علمی دایره‌المعارف قرآن (EQ) در انتخاب و گزینش مؤلف، بر تخصص صاحب نظر بودن و داشتن تألیفاتی علمی - پژوهشی در زمینه تحقیقاتی هر یک از مؤلفان تأکید ورزیده‌اند. (خندق آبادی، ۱۳۹۲)

در تحلیل و نقد گذرا بر این دایره‌المعارف می‌توان گفت:

- در پشت جلد دایره‌المعارف قرآن ادعا شده است: «صدها دانشمند، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، در آفریدن این کار مشارکت کرده‌اند». این ادعا نادرست است، زیرا دقیقاً دویست و هفتاد و هشت نویسنده، در این کار شرکت جسته‌اند؛ تقریباً ۲۰ درصد آنان مسلمانان هستند؛ تمام نویسندگان از طیف خاصی از مسلمانان و مستشرقان انتخاب شده‌اند که معمولاً متن قرآن را بشری می‌دانند، در پی تفسیر تاریخی آن بر می‌آیند. در ضمن مقالات نویسندگان مسلمان بیشتر در موضوعات حاشیه‌ای اما مفاهیم بنیادی مقالات غیرمسلمانان است.

- نویسندگان این دایره‌المعارف از طیف خاصی از مسلمانان و مستشرقان انتخاب شده‌اند؛ هر چند ممکن است روش‌ها و تکنیک‌های این نویسندگان متفاوت باشد اما نظر اصولی همگیشان «بشری بودن متن قرآن» و تفسیر تاریخی قرآن است. دیدگاهی که ادعای بی‌طرفی و دقت علمی دایره‌المعارف را مخدوش می‌سازد. وقتی ویراستار از کسی که خود را «مسلمان سکولار» می‌نامد، برای همکاری دعوت می‌کند، یا از دانشمندی که روش مطالعه‌اش تحت تأثیر فمینیسم غربی است درخواست همکاری می‌نماید، نتیجه نوشته آنان را برای پروژه خویش از پیش می‌داند. بنابراین انتخاب نویسندگان پروژه ترجیح‌ها و تعلق‌های ذهنی مورد نظر ویراستاران را منعکس می‌کند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ۵۸)

نویسندگان مسلمان همکار با این مجموعه عبارتند از: مستنصر میر، وائل حلاق، عبدالعزیز ساشادینا، ابوالفضل محسن ابراهیم، علی آسایی و مجید آرگون (مودب، ۸۷، ۱۱۴) و نویسندگان ایرانی محسن ذاکری، نوید کرمانی، شهلا حائری و محمدعلی امیرمعزی هستند.

- نادیده گرفتن سلسله مراتب منابع، مآخذ و شاخه‌های مختلف علوم در اسلام، یکی دیگر از مشکلات اساسی آن می‌باشد. موضوعی که در محیط علمی و چارچوب پژوهشی شاخه‌های گوناگون علم به خوبی درک شده است. نویسندگان دایره‌المعارف قرآن بر حسب عادت، انواع مطالب را برای مقالاتشان جمع‌آوری می‌کنند که از این طریق نوشته‌هایشان اعتبار علمی یابد. آنان پس از جمع‌آوری انبوهی از اطلاعات غالباً متناقض پیرامون یک موضوع، اصل مطلب را گم می‌کنند، برای فرار از این بن‌بست ادعای ابهام در منابع اسلامی می‌کنند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ۴۳-۷۰)

- اشکالات دیگری که می‌توان برشمرد: توضیح الفاظ به جای توضیح معارف؛ کم‌توجهی به آرا و منابع قرآنی شیعه؛ استناد زیاد به نویسندگان غربی و اقتباس از دایره‌المعارف اسلام؛ ضعف علمی نویسندگان دایره‌المعارف قرآن لیدن و... (ر.ک: ؛ بهار دوست، ۱۳۸۲، ۵۲؛ کریمی نیا، ۱۳۸۳، ۳۶-۳۵)

## نویسنده مقاله ازدواج موقت دایره المعارف لیدن

نویسنده مقاله ازدواج موقت، شهلا حائری است. وی در دانشگاه‌های کالیفرنیا، لس آنجلس، CAS هاروارد و MA شمال شرقی تحصیل کرده است. او دوره‌های انسان‌شناختی و حقوقی مربوط به فرهنگ، سیاست مسلمانان و زنان در جهان اسلام و... را گذرانده است. در این راستا مطالعات گسترده‌ای درباره دین، حقوق و پویایی‌های هویت جنسی در جهان به خصوص پژوهش‌های انسان‌شناختی در ایران، هند و پاکستان انجام داده است. اکنون استاد رشته انسان‌شناسی فرهنگی و مدیر برنامه مطالعات زنان در دانشگاه بوستون آمریکا است.

وی در سال ۱۹۸۵ - ۱۹۸۶ در مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد، در سال ۱۹۸۶-۱۹۸۷ در مرکز پمبروک برای تدریس و تحقیق درباره زنان، در سال ۱۹۸۷-۱۹۸۸ در شورای پژوهش علوم اجتماعی، در سال ۱۹۹۶ در کالج سنت آنتونی در دانشگاه آکسفورد و در سال ۲۰۰۵-۲۰۰۶ رشته مطالعات زنان در دین در دانشگاه هاروارد به پژوهش پرداخته است.

او هم چنین کتاب‌های زیادی از اشمیت نیز ترجمه کرده است. فیلم مستند ۴۶ دقیقه‌ای «خانم رئیس جمهور: زنان و رهبری سیاسی در ایران» درباره شش زن کاندیدای ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۱ تهیه کرده است. آثار او درباره ایران: قانون شهوت «ازدواج موقت، متعه، در ایران»؛ جنسیت نیمه خودآگاه در سینمای ایران؛ بنیادگرایی و حقوق زنان در ایران و پاکستان؛ ازدواج موقت و دولت در ایران: مباحثه‌ای اسلامی درباره جنسیت زنانه؛ تاریخچه‌ای از انسان‌شناسی زنان در ایران؛ طلاق در ایران معاصر: حق ویژه مرد در اراده شخصی؛ نهاد ازدواج موقت (متعه) در ایران: چشم اندازی رسمی و تاریخی؛ زنان، قانون و تغییر اجتماعی در ایران می‌باشد.

## متن مقاله

عقد (قرارداد) مالی بین یک مرد و زنی مجرد، درباره اجرت آن زن که اجازه ارتباط جنسی برای زمان معینی را می‌دهد. اگر چه اصطلاح عربی به این مفهوم (متعه) در قرآن نیامده، اما

صیغه دهم از ریشه فعل (م - ت - ع) در آیه ۲۴ سوره نساء احتمالاً در اشاره به این عمل به عنوان یک سنت عربی پیش از اسلام به کار برده شده است. به‌رغم تشریح بسیاری از مفسران - به عنوان مثال ر.ک: احادیث موجود در تفسیر طبری - که در آن استمتاع با «نکاح» یا «تزویج» یکی پنداشته می‌شود. این سنت به یک شعار شیعی بغرنجی مبدل شده است که در موردش تضاد (دوسوگرایی) فرهنگی و اخلاقی بسیاری وجود داشته است. با وجود این، در ایران از زمان انقلاب ۱۹۷۹ م، این سنت عادی‌تر (معمول‌تر) شده است.

به طور تحت‌اللفظی «عقد تمتع» متعه، شکلی از یک سنت قبل از اسلام در عربستان است که هنوز در میان شیعیان دوازده امامی، مشروعیتش را حفظ نموده است، شیعیانی که عمدتاً - اما نه منحصرأ - در ایران زندگی می‌کنند.

به لحاظ قانونی، ازدواج موقت عقدی است که به موجب آن یک مرد و زنی مجرد تصمیم می‌گیرند که برای چه مدتی می‌خواهند با هم ازدواج کنند و چه مقدار پول - مهریه - باید به زن موقت، داده شود. برخلاف نکاح دائم، یک زن موقت افزون بر مهرش، قانوناً، مستحق حمایت مالی (نفقه) نیست، حتی در صورت بروز بارداری نیز چنین بوده، مگر این‌که از قبل مورد توافق واقع شده باشد. به لحاظ نظری، فقهای شیعی، ازدواج موقت را از ازدواج دائم چنین متمایز می‌کنند که هدف از متعه، بهره‌مندی جنسی (استمتاع جنسی) است، در حالی که هدف از نکاح (ازدواج دائم) تولید مثل است. (طوسی، ۵۰۲-۴۹۷؛ حلی، ۵۲۴؛ کاشف الغطاء، محمدحسین، آیین‌ها، ترجمه ناصر مکارم شیرازی؛ طباطبایی، محمدحسین، شیعه در اسلام؛ مطهری، ۳۸؛ روح‌الله خمینی، (۱۹۸۲)، ص ۴۰ - ۳۸)

بر اساس آثار شیعی، عمر خلیفه دوم (حکومت از ۱۳ تا ۲۳ هـ، ۶۴۴-۶۳۴م) سنت ازدواج موقت (متعه) را در قرن اول ممنوع کرد و مرتکبین آن را به سنگسار تهدید نمود. شیعه این تصمیم خلیفه را با روشی نظام‌مند، مورد اعتراض قرار داده است. آنها استدلال می‌کنند که براساس اشاره قرآن به متعه «مَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ»، (نساء، ۲۴) و فقدان هرگونه حدیث نبوی صریحی مبنی بر ممنوعیت این سنت، فتوای عمر فاقد مشروعیت است. (الامینی، ۵ و ۶؛



طباطبایی) در حقیقت، شیعه به این واقعیت اشاره می‌کند که ازدواج موقت در زمان حضرت محمدK معمول بود و بسیاری از گروندگان اولیه به اسلام، از جمله عدی بن حاتم و معاویه، فرزندان ازدواج موقت بودند. (علامه امینی، ۶، ۱۲۹ و ۲۴۰ - ۱۹۸؛ طباطبایی، ۲۲۷ و (Robertson – Smith: id, 81

اهل سنت و شیعه، بحث در مورد مشروعیت دینی و صحت اخلاقی ازدواج موقت را ادامه داده‌اند. به‌رغم مخالفت شدید علمای سنی، ظاهراً سنت متعه در میان برخی از سنی‌ها، تا زمان حاضر تداوم یافته است. (C. Snock Hurgronje: "Mekka in the latter part of the 19 th century", London, 1931, P. 12 – 13) طریق استدلال قیاسی توسعه یافتند. شکل کنونی آن، نتیجه تبادل آراء و مناظرات علماء شیعی است که برجسته‌ترین آن‌ها امام ششم، یعنی جعفر الصادق (م ۷۶۵/۱۴۸) بوده است. (شیخ طوسی، همان؛ علامه حلی، شرایع، ۲۸-۵۱۵؛ غضنفری، ۲، ۳۴-۱۲۶؛ آیین‌ها، ۳۷۲-۳۹۲؛ امام خمینی، توضیح‌المسائل؛ امامی، حقوق مدنی. Levy. id – fazee: out lines – Murata. Id – Haeri. id)

واژه متعه در زبان عربی معنای چندگانه‌ای دارد: «آن چه که برای مدت کوتاهی، بهره‌مندی می‌سازد»؛ «لذت، خوشی»؛ «بهره‌مندی از منفعت چیزی». (علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه، مدخل «صیغه») اگرچه هدف مشخص ازدواج موقت، لذت جنسی (به ویژه لذت جنسی جنس مذکر) است، اما لسان دینی که آن را توصیف می‌کند، به گونه‌ای مناسب - یا نامناسب - جنبه زناشویی آن را مورد تأکید قرار می‌دهد. بدین‌وسیله، این تصور را ایجاد می‌کند که متعه صرفاً نوعی از ازدواج بوده، اما با این تفاوت که از ابتدا بر زمانی محدود استوار شده است. خارج از محافل (حوزه) دینی، زبان روزمره در ایران به معنای لغوی متعه وفادارتر مانده است. در زبان عامیانه، واژه فارسی بومی «صیغه» جانشین متعه بوده است. هر دو شکل اسمی و فعلی آن استفاده شده که به لحاظ معنای واقعی، [صیغه] «شکل» یا «نوع» یک عقد را نشان می‌دهد. این [صیغه] واژه‌ای تحقیرآمیز است که نسبت به زنی که موقتاً ازدواج کرده به کار می‌رفته، اما نسبت به مردی که شریک (نامزد) امور وی شده چنین نیست.

نمود شهری ازدواج موقت، به لحاظ فرهنگی چنین انگ زده شده و عموماً چنین درک شده که مشابه «روسپی‌گری مشروع» باشد. همچنین به طعنه، چنین باور شده که در اطراف مراکز زیارتی ایران [این عمل] رایج‌تر از جاهای دیگر کشور باشد (cf: Haery: "Law of desire" p. 9-10 ازدواج موقت عقدی است که می‌تواند به طور محرمانه (خصوصی) و به هر زبانی اجرا شود، به شرطی که طرفین درباره زمان دقیق پایان ازدواج و مبلغ مهریه‌ای که باید به زن موقت داده شود، به توافق برسند. ازدواج موقت (متعّه) نیازی به شاهد یا ثبت ندارد. (طوسی، ۴۹۸) اگرچه در حال حاضر، حکومت اسلامی ایران تثبیتش را ملزم می‌کند، ظاهراً به منظور احراز مشروعیت (حقانیت) ادعای زن در صورتی که باردار شود.

ازدواج موقت، در پایان دوره معین شده، به طور اتوماتیک (خود به خود) و بدون هیچ‌گونه مراسم طلاق خاتمه می‌یابد. بعد از خاتمه یافتن، بدون توجه به طول مدت آن، زن باید عده نگه دارد. [عده] از ویژگی ازدواج دائم و طلاق نیز است، اما عده ازدواج موقت به مقدار یک ماه [از عده دو مورد قبلی] کمتر است. عده ازدواج موقت دو حیض (قاعدگی) برای زنانی است که به طور منظم قاعده می‌شوند، و چهل و پنج روز برای زنانی که در سنی هستند که به طور طبیعی می‌بایست قاعده شوند، اما به دلایلی نمی‌شوند. برای زنان یائسه، عده لازم نیست. همسران موقت، قانوناً از یکدیگر ارث نمی‌برند، ولی به لحاظ نظری می‌توانند چنین شرطی را در عقدشان مورد بحث قرار داده و به توافق برسند. علاوه بر چهار زنی که برای تمام مردان مسلمان از لحاظ دینی مجاز است، یک مرد شیعی می‌تواند هم‌زمان با آن به هر تعداد متعه‌ای که میل داشته، عقد کند (رک: توضیح ۴) و نیز می‌تواند برای هر چند بار که زوجین مایل باشند، آن را تجدید نماید، البته به شرطی که شرایطش حاصل شده باشد. یک زن شیعی در زمان واحد، فقط مجاز به یک ازدواج - موقت یا دائم - است.

ازدواج موقت سنتی (عرفی) بوده که در آن ارتباط بین دو جنس، ازدواج، جنسیت (تمایلات جنسی)، اخلاق، احکام دینی، قوانین وضعی و سنت‌های فرهنگی با هم تلاقی می‌کنند. در عین حال آن، رسمی (عرفی) است که دین و فرهنگ ملی را مقابل هم (در تغایر)

قرار می‌دهد. ازدواج موقت، به‌رغم قانونیت و تقدس دینی‌اش، هرگز از حمایت همه جانبه فرهنگی برخوردار نبوده است.

به ویژه در میان طبقه متوسط و مرفه «سکولار = غیر مذهبی» ایران، عراق و لبنان، یعنی جاهایی که تعداد قابل توجهی از شیعیان زندگی می‌کنند. ( Sh. Haeri: "Law of desire. (Temporary marriage in shi'i Iran", syracuse, 1989 – 1993

### بررسی مقاله

نویسنده در این مقاله گاهی مطالب مستند را بیان نموده‌است؛ در مواردی نیز به خطا رفته، با پیش‌فرض‌های خود مطالبی را ارائه نموده که نیازمند نقد و بررسی است؛ بدین جهت می‌توان برخی کاستی‌ها، اشکالات و نقاط ضعف بیان زیر را بیان نمود:

### قرارداد مالی نبودن نکاح

حائری ازدواج موقت را قرارداد مالی می‌داند: «عقد (قرارداد) مالی بین یک مرد و زنی مجرد، درباره اجرت آن زن که اجازه ارتباط جنسی برای زمان معینی را می‌دهد» این مهم نیازمند بررسی است:

با این که ازدواج از عقود است اما در هیچ یک از متون فقهی اسلامی نیامده است که «قرارداد مالی» است. طبق تصریح فقها وقانون مدنی ماهیت قرارداد نکاح – دایم و موقت – یکی است؛ هر دو ازدواجند؛ با الفاظ مخصوصی صورت می‌گیرد. (مطهری، ۱۳۷۶، ۵۷-۵۴) عقد در لغت به معنی گره زدن، پیوند دادن، عهدمحمک و موثق، تعاهد و ضمانت آمده است. (ابن اثیر، ۱۳۶۴، ۳، ۲۷۰) مفهوم فقهی و حقوقی عقد به مفهوم لغوی آن نزدیک است؛ فقها عقد را التزام مرتبط با التزام دیگر \_ ربط و قرار \_ تعریف کرده‌اند. (اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ۴، ۲۰) از نظر حقوقی عقد تراضی طرفین برای ایجاد یک اثرحقوقی است. (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۳)

عقد متعه - عقد موقت یا غیر دائم - ایجاب و قبول در زواج با قصد انشاء است؛ پیوند زناشویی بین مرد و زن برای زندگی و تشکیل خانواده در چهار چوب قوانین مذهبی و مقررات موضوعه است. (حائری، ۱۳۸۰، ۶۴) عقدی که به وسیله آن وضعیت حقوقی خاصی بین زوجین - رابطه زوجیت - به وجود می‌آید. (امامی، ۱۳۶۸، ۴، ۵) ازدواج موقت امری عرفی است و عرف، ازدواج موقت را قرارداد مالی تلقی نمی‌کند. (کریمی نیا، ۹۰)

تمام احکام ازدواج دائم در مورد ازدواج موقت - به جز موارد استثنا شده که می‌آید - صادق و یکی‌ست. متعه پیمان طرفینی بین زن و مرد، با تعیین مدت و مهریه ضروری است. اگر چه مهریه از ارکان مهم عقد موقت است، به گونه‌ای که اگر مهریه باطل باشد، ملک غیر باشد یا وجود نداشته باشد، عقد موقت باطل است. (ر.ک: نجفی، ۳۰، ۱۶۸-۱۷۰؛ محقق داماد، ۳۲۰) ولی این امر، عقد موقت را به یک قرارداد تجاری یا مالی تبدیل نمی‌کند؛ زیرا مهریه قیمت و ارزش زن نیست.

فلسفه وجودی مهریه در حقیقت این است که مرد با تعیین مهریه علاقه، مهر و محبتش را به همسرش در حین ازدواج ابراز می‌کند. پشتوانه اقتصادی که با مقتضیات جامعه و شرع سازگاری داشته باشد. اگر مهریه زن قیمت وی حساب شود، گویی زن در عقد ازدواج به فروش می‌رسد؛ در حالی که در فقه امامیه اصلاً اعتقادی به این مساله نیست. مهر ارزش زن حساب نمی‌شود؛ بلکه ادعای احترام مالی از سوی مرد نسبت به همسرش در اول ازدواج است. پیدایش مهریه در حقیقت نتیجه تدبیر ماهرانه ی خداوند متعالی است که در خلقت و آفرینش زن و مرد برای تعدیل روابط آنان نهاده است (مطهری، ۱۳۷۶، ۱۸۳). مهریه با حیا و عفاف زن مرتبط است. زن با الهام فطری دریافته که عزت و احترامش به این است که خودش را به رایگان در اختیار مرد قرار ندهد.

مهریه در ذات خود یک هدیه‌ای دو منظوره است: اثبات ادعای مرد به محبت و مودت درخواستگاری؛ ارج نهادن به پاسخ مثبت زن نسبت به تقاضای مرد. (مطهری، ۱۳۷۶، ۱۸۱-۱۸۵) بنابراین ذکر مهریه در نکاح با عنوان مال نیست که جبران عدم استقلال مالی زن کند؛

زیرا در جای خودش استقلال و همانندی زن و مرد «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ» (نساء، ۳۲) به اثبات رسیده است.

از نظر قرآن مجید، چیستی و ماهیت مهریه یا صداق «فَإِنْ طَبِنَ لَكُمْ عَن شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا» (نساء، ۴) هبه و هدیه بودن محض و غیر معوض می‌باشد و گرنه با برگرداندن تمام یا قسمتی از آن، به همان نسبت از عوض آن هم باید برگردانده شود. در واقع هدیه‌ی نکاح پاداش ارتباط عمیق و ریشه‌داری است که با پاسخ گفتن زن به اظهار محبت مرد، پدید می‌آید. (الصادق، ۱۴۰۸، ۴ - ۵، ۲۱۲)

مهریه طبق آیه ۴ سوره نسا «و اتوالنسا صدقاتهن نحله»، نشانه صداقت راستی مرد نسبت به زن محسوب می‌شود؛ چون مهر صداق و صدقه که نشانه صداقت و راستی بودن علاقه مرد می‌باشد. (ابن منظور، بی‌تا، ۵، ۱۸۴؛ طریحی، ۱۳۶۷، ۳، ۴۸۶) از طرفی دیگر «نحله» بودن چیز است که انسان با رضایت خاطر، بدون مقابله و عوض به کسی هدیه کند. هر چند وجوب مهریه عطای لازمی از جانب زوج و به منظور احترام به عقد و حصول اهداف آن است. (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۰، ص ۱۳۰)

پرداخت مهریه سنت کهن اجتماعی-عرفی و مقتضای تدبیر عقلانی انسان‌ها از گذشته‌های بسیار دور است. شریعت اسلام ضمن صحه گذاشتن، آن را یکی از لوازم ازدواج به شمار می‌آورد؛ و جوبش در فقه، به دلیل بالا بردن حیثیت نکاح، تکریم و تأکید زن بر جایگاه تعیین کننده وی در عقد ازدواج است. (ر.ک: محمد کمال الدین امام، ۱۹۹۶، ۱۱۹ - ۱۲۱) نتیجه آن که سخن نویسنده مقاله که ازدواج موقت را به عقد (قرارداد) مالی بین زن و مرد تعریف نمود، قابل خدشه است.

## عدم جزئیت تمتع جنسی در ماهیت نکاح

دکترحایری در تعریف نکاح، تمتع جنسی را جزء ماهیت نکاح پنداشته است: «عقد... دربارهٔ اجرت آن زن که اجازه ارتباط جنسی برای زمان معینی را می‌دهد.» اشکالی بر این تعریف وارد است: تمتع جنسی جزء ماهیت نکاح نیست؛ در حالی که اگر نکاح فاقد این مؤلفه باشد، نکاح تحقق می‌یابد.

تمتع جنسی از اغراض نکاح و شاید از مهمترین اغراض نکاح باشد ولی غرض منحصره و جزء ماهیت نکاح نیست؛ بدون آن نیز نکاح پدید می‌آید. طبق تعریف نکاح حقوقدانان اسلامی - «نکاح عقدی است که به نحوه مشروع امکان استمتاع را به هر یک از زوجین می‌دهد» - اگر استمتاع عام و کلی باشد - هرگونه استمتاع را شامل شود - تعریفی درست از نکاح خواهد بود. (صفایی، ۱۳۸۴، ص ۳۷۷)

عقد نکاح از عقود لازم است؛ طرفین ملزم به تبعیت از شرط ضمن عقد هستند. از این رو می‌توان به شرط عدم روابط جنسی (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ۲، ۳۹۰؛ بهجت، ۱۳۸۶، ۴، ۲۱)، محدود نمودن تمکین و حصر حق التذاذ در حد نگاه به زوجه (موسوی خمینی، بیتا، ۵، ۲۸۳) و... در ضمن عقد نکاح اشاره کرد. گر چه مقتضای ذات عقد نکاح، زوجیت یا حلیت روابط زناشویی است، لذا تمکین و اموری چون باروری در ماهیت و ذات عقد نکاح لحاظ نشده است و قابلیت تعدیل دارند. (قنبرپور، ۱۳۷-۱۲۱) حتی مصحح عقد نکاح، حصول محرمیت، وصلت با خانواده شریف و... نیز می‌تواند باشد. (موسوی خمینی، بیتا، ۵، ۲۸۳)

از منظر قرآن نیز وجود همسران یکی از مواهب بزرگ الاهی و مایه آرامش زندگی است؛ «ومن آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا الیها» (روم، ۲۲) ازدواج دائم و متعه در این جهت مشترکتند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ۳۹۲-۳۹۱)؛ متعه ازدواج رسمی است؛ اسلام - کامل‌ترین دین - آن را به جهت مشکلات کسانی که از هر جهت امکان ازدواج دائم و تشکیل خانواده ندارند، تشریح و تجویز نموده است؛ چنان چه حقیقت احکام و هدف اسلام از وضع قانون شرایط ازدواج موقت به درستی شناخته و عمل شود، موجب آرامش بخشی خواهد شد.

حاصل آن که دکتر حایری در مبانی و مفاهیم ازدواج موقت خلط نموده است پس بر او نقد وارد می‌آید.

### عدم انحصار ازدواج موقت در سنت عربی

بی‌تردید نسبت دادن سنتی به عرب، نیازمند مطالعه همه جانبه در تمامی جهان است تا منتفی بودن آن سنت در غیر عرب آشکار شود. اما متأسفانه بدون چنین اقدامی دکتر حایری نتیجه گرفته است که او را در میزان نقد قرار می‌دهد.

توسل به ازدواج غیر دائم یک سنت تاریخی بوده است؛ تصور این که پیشینه غرب با چنین نهاد حقوقی بیگانه بوده خطایی بیش نیست. چرا که در لغت نامه‌های آنان این پیشینه مشهود است: مثلاً در دایره‌المعارف بریتانیکا در توضیح واژه (con cubinage) - متعه‌گیری - می‌نویسد: «نوعی زندگی مشترک زناشویی میان زن و مرد، که ناشی از ازدواج رسمی نیست - *con* به معنای معیت، باهم؛ *cobare* به معنای قرار گرفتن و بودن و زیستن است». (هادی، 1372، 36)

پژوهشی تاریخی و نگاهی عمیق به امم گذشته ازدواج منقطع را - نه به کیفیت موجود در اسلام - مرسوم می‌داند: اگر چه در تمام کتب مذهبی زرتشتیان نامی از متعه یا ازدواج موقت دیده نمی‌شود، اما آزادی بدون قید و شرط دختر برای انتخاب همسر در این دین جلب توجه می‌کند. مثلاً ویسنا 53 صفحه 143 آیه ۳ به این موارد اشاره دارد. (کتاب مقدس زرتشتیان: اوستا، ۱۳۶۸؛ ابراهیم پور، ۱۳۸۸، ۱۴۳)

در تورات، کتاب دوم سموئیل برای اولین بار از متعه در صفحه 500 باب 15 آیه ۱۶ سخن می‌گوید: «پس پادشاه و تمامی اهل خانه اش با وی بیرون رفته‌اند، پادشاه ده زن را که متعه او بودند برای نگاه داشتن خانه واگذاشت.» در اسفار چهارگانه تورات، آیه‌ای صریح درباره متعه نیست اما در مبحث سلیمان، رواج متعه در دین یهود مشخص می‌شود؛ در کتاب اول پادشاهان در آیه باب 11، ص 545 می‌گوید: «سلیمان 700 زن بانو و 300 متعه داشت. داوود

پدر سلیمان زنان بسیار داشته است، از جمله آنان ده زن متعه می‌باشد». (کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید تورات و انجیل، ۵۴۵)

اگر قاعده را بر این بگذاریم که عیسی قوانین تورات را محترم شمرده، پس باید ازدواج موقت هم در این دین رایج باشد ولی در تمام متون حقوقی مسیحیت سخنی از متعه نیست؛ هرچند «گرل فرند» - دوست دختر- در غرب رایج است آن هم نه مکتوب بلکه متأثر از مهرپرستی که قبلاً در اروپا رواج کامل داشته است. (ر.ک: مارتن ورمازرن، ۱۳۸۳)

در زمان جاهلیت نیز از زنان هم چون وسیله‌ای برای عیش و نوش استفاده می‌شد (سجاد، ۱۳۷۵، ۲۷؛ فروخ، ۱۹۸۴، ۱۵۶) ازدواج موقت در آن زمان نوعی عقد شخصی بین مرد و زن غیرباکر بنا بر پولی معین و با زمان مشخص که با پایان یافتن مدت تمام می‌شد. (سجاد، ۱۳۷۵، ۲۲)

متعه یا نکاح موقت از جمله نکاح‌های مرسوم در صدر اسلام می‌باشد؛ در واقع حکمی امضائیه نه تأسیسه است. احکام امضائیه احکامی که پیش از ظهور دین مقدس اسلام، رواج داشتند؛ اسلام با شروط و قیودی آنها را پذیرفته است. بنابراین اگرچه امروز غرب متعه را نهادی ارتجاعی می‌شمارد، در مقابله با اسلام به آن ایراد و انتقاد وارد می‌کند، اگر به پیشینه قبل از «آنارشسیسم جنسی» خود نگاهی بیفکند، قطعاً فرهنگ خود را با چنین نهادی آشنا می‌بیند. روند امروزی خانواده در غرب - ترویج خانواده به سبک توافقی - در تعاریف سازمان‌های بین‌المللی هم چون یونیسف با ازدواج موقت و متعه‌ای سازگارتر است تا نکاح دائم که در فرهنگ اسلام جایگاه نوین و منحصر به فرد دارد. (میرخانی، ۱۳۷۹، ۲۴)

### عدم اختصاص مهریه در پول

نویسنده مقاله ازدواج موقت ادعا دارد مهریه پول است: «...عقدی است که به موجب آن یک مرد و زنی مجرد تصمیم می‌گیرند که برای چه مدتی می‌خواهند با هم ازدواج کنند و چه



مقدار پول - مهریه - باید به زن موقت، داده شود...» از آن جایی که «مهریه» تنها در پول خلاصه نمی‌شود، نقدی دیگر بر او وارد می‌آید.

هر چند بنا بر مقررات شرع و قانون، هر چیزی که مالیت داشته باشد، می‌توان آن را به عنوان مهریه یا صداق تعیین کرد. قرار دادن مال منقول -سکه، وجه، گل، کتابی خاص مثل قرآن، نهج‌البلاغه، شعر و...- مال غیر منقول - خانه، زمین زراعتی، باغ و مانند آن - به عنوان مهریه، صحیح است. بنابراین صرف مالیت داشتن کافی است؛ اما خداوند متعال وجوب مهریه بر مرد را - بدون وظیفه زن - در واقع، عطیه‌ای (ر.ک: طوسی؛ ۳، (بی‌تا) ۱۰۹؛ الرازی، ۹ - ۱۰، ۱۹۹۰، ۱۴۷) نحله و هدیه بدون عوض با رضایت قلبی (طنطاوی، ۱۳۵۰، ۳، ۱۰)، بدون این که ثمن و عوض باشد، برای زنان نهاده است. (فضل الله، ۱۹۹۸، ۷، ۶۹)

حتی زمانی که حضرت آدم (ع) حوا را از خدا خواستگاری کرد، خداوند عزوجل رضایتش را در آموختن معارف بلند دین - به عنوان مهریه این ازدواج - نهاد. (صدوق، ۱۳۷۷، ۳، ۳۸۰) رسول خدا (ص) نیز آموزش قرآن مهریه قرار دادند. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۱، ۲۴۲) این مهم نشان‌دهنده عدم لزوم قرار دادن پول برای مهریه است. اما نویسنده بدون تحلیل و بررسی کاربرد واژه به توصیفی نامناسب دست زده است.

### نهی عمر از متعه در آثار اهل تسنن

نگارنده در بخشی دیگر از مقاله اظهار می‌دارد، نهی عمر از متعه بر اساس آثار شیعی است، بدون آنکه به کتب اهل تسنن رجوع کرده باشد: «براساس آثار شیعی، عمر خلیفه دوم (حکومت از ۱۳ تا ۲۳ هـ، ۶۴۴-۶۳۴م) سنت ازدواج موقت (متعه) را در قرن اول ممنوع کرد و مرتکبین آن را به سنگسار تهدید نمود».

سخن عمر در دوران خلافت خود درباره حرام کردن ازدواج موقت و متعه حج معروف و مشهور است: «متعتان کانتا علی عهد رسول الله ﷺ أنا أنهی عنهما و اعاقب علیهما: متعة الحج و متعة النساء». در همه کتاب‌های زیر به وضوح چنین روایتی آمده است: شرح نهج البلاغه ابن

ابی‌الحدید، ۱، ۶۱ / ۳، ۱۶۷-۱۶۸ در جواب طعن ثامن مسند احمد، ۳، ۳۶۳، ۳۵۶ و ۳۲۵؛ تفسیر سیوطی، ۲، ۱۴۱؛ کنز العمال، ۸، ۲۹۳؛ مشکل الآثار، طحاوی، ۳۷۵؛ تقریب التهذیب، ۱، ۳۰۶، بدایة المجتهد، ۱، ۳۴۶ باب القول فی التمتع؛ زاد المعاد، ابن قیم، ۲، ۲۰۵، فصل اباحه متعة النساء؛ مغنی، ابن قدامة، ۷، ۵۲۷؛ المحلی، ابن حزم، ۷، ۱۰۷؛ تفسیر قرطبی و رازی، ۲، ۱۶۷ و ۱/۳ و ۲۰۲؛ کنز العمال، ۸، ۲۹۳ و ۲۹۴؛ البیان والتبیین، جاحظ، ۲، ۲۲۳؛ احکام القرآن، جصاص، ۱، ۲۹۷.

خلاف تصور دکتر شهلا حایری، علاوه بر آثار شیعی، در منابع اهل تسنن نیز به وفور دیده می‌شود؛ تفسیر رازی، ۲، ص ۱۶۷؛ شرح معانی الآثار، ص ۳۷۴؛ السنن الکبری، بیهقی، ج ۷، ص ۲۰۶؛ بدایه المجتهد، ج ۱، ص ۳۴۶؛ احکام القرآن، جصاص، ج ۱، ص ۲۷۹؛ شرح التجرید، قوشجی اشعری، مطاعن عمر؛ الجامع لاحکام القرآن، قرطبی، ج ۲، ص ۳۷۰؛ المغنی، ابن قدامة، ج ۷، ص ۵۲۷؛ زاد المعاد فیهدی خیر العباد، ابن قیم جوزی، ج ۲، ص ۲۰۵؛ الدر المنثور، سیوطی، ج ۲، ص ۱۴۱؛ کنز الاعمال، متقی هندی، ج ۸، ص ۲۹۳؛ وفيات الاعیان، شمس الدین، ج ۵، ص ۱۹۷....

### عدم تطابق متن مقاله با منبع و اسناد

در ادامه مقاله دایره المعارف لیدن، نویسنده اطلاعات را با فرضیات خود تغییر ماهیت می‌دهد؛ علاوه بر این اسنادی نادرست به دو کتاب برای رسیدن به اهدافش داده است: «در حقیقت، شیعه به این واقعیت اشاره می‌کند که ازدواج موقت در زمان حضرت محمد ک معمول بود و بسیاری از گروندگان اولیه به اسلام، از جمله عدی بن حاتم و معاویه، فرزندان ازدواج موقت بودند». (علامه امینی، ۶، ۱۲۹ و ۲۴۰ - ۱۹۸؛ طباطبایی، ۲۲۷ و Robertson - Smith: id, (81)

شیعه در اسلام به زندگی ائمه  $\beta$  پرداخته است؛ چنین اسنادی در آن دیده نشد. در الغدیر نیز علامه امینی رحمه الله علیه اسامی افرادی که شهادت به حلال بودن متعه در تمام

زمان پیامبر اسلام K داده‌اند، بیان می‌کند: «اینها کسانی هستند که رأی آنها را در میان امت مؤثر و مورد اعتماد بود و در میان ایشان کسانی هستند که اهل سنت اطاعت آنها را بر خود واجب می‌دانند:

- امیرالمؤمنین علی (P)؛
- ابن عباس پسر عموی پیامبرK؛
- عمران بن حصین خزاعی؛
- جابر بن عبدالله انصاری؛
- عبدالله بن مسعود الهذلی؛
- عبدالله بن عمر عدوی؛
- معاویه بن ابی سفیان،
- ابوسعید خذری انصاری
- سلمه بن امیه جمعی
- معبد بن امیه جمحی
- حکم
- طاوس یمانی
- سعید بن جبیر
- سدی... (امینی، ۱۳۶۸، ۶، ۱۹۳).

همان طور که ملاحظه شد، در غدیر چنین مطلبی نبود؛ از سویی دیگر نام بردن از- معاویه بن ابی سفیان، از اشخاص منفور شیعه - واسناد به حکمی شیعه - طبق دیدگاه حایری- جای تامل دارد؛ نگاه ناقص، یک سویه و متناقض وی را آشکار می‌گرداند.

متأسفانه نگارنده در جایی دیگر، به جای رجوع به کتب لغت نزدیک به عصر نزول، با وجود فزونی، در دسترس بودن و اذعان عربی بودن واژه متعه در زبان عربی، به دهخدا لغت نامه فارسی قرن چهارده اسناد داده است: واژه متعه در زبان عربی معنای چندگانه‌ای دارد: «آن

چه که برای مدت کوتاهی، بهره‌مندی می‌سازد؛ «لذت، خوشی»؛ «بهره‌مندی از منفعت چیزی» (علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه، مدخل «صیغه») الیته میزان ارزش علمی هر کتاب و مقاله به عواملی چون مستند بودن مطالب، مآخذ و منابع معتبر اولیه موضوع مربوطه است؛ تحقیق درباره معارف دین از این مهم استثنا نیست. (مودب، ۸۷، ۱۱۷)

در اینجا به منظور فزونی، در دسترس بودن چند نمونه از کتب دسته اول عربی برای معنای متعه ارائه می‌شود:

متعه در التحقیق «به معنای سود بردن و بهره از نکاح (المصطفوی، ۱۱، ۱۱-۱۲) تاج العروس و القاموس المحیط: معنی حقیقی بهره بردن طرف مقابل و معنای مجازی ازدواج کردن با یک زن و بهره بردن چند روز از وی (الحسینی، ۱۴۱۴، ۱۱، ۴۴۸؛ الفیروز آبادی، بی تا، ۸۳)، اقرب الموارد: المتعه استفاده بردن و بهره بردن از زن در صورتی که قصد ادامه ازدواج نداشته باشی را گویند (الخوری، بی تا، ۳۸۱)؛ العین: هر آنچه از مال دنیا مورد بهره قرار آمده است».

در قسمتی دیگر وی اظهار می‌کند: «ازدواج موقت عقدی است که می‌تواند به طور محرمانه (خصوصی) و به هر زبانی اجرا شود»؛ (الفراهیدی، ۱۴۱۴، ۱۶۷۳) در حالی که پیمان و عقد ازدواج موقت با الفاظ واضح مثل: «زوجتک»، «متعکتک» و «انکحتک» از سوی زن یا وکیلش به زبان آورده شود؛ قبول از طرف مرد یا وکیلش نیز با الفاظ روشنی صورت پذیرد که بیانگر رضایت اوست. (مدرسی، ۱۴۰۹، ۲۱، ۱۱)

### متعه راهکار اضطراری نه جنسی

شعلا حائری هدف مشخص ازدواج موقت را لذت جنسی و مشابه روسپیگری مشروع توصیف می‌کند؛ لحن وی نه تنها به دور از انصاف است، بلکه نشانه تعمدی آگاهانه در ایجاد شبهه و وارد کردن تهمت بر اسلام یا مسلمانان است. و می‌گوید: «اگرچه هدف مشخص ازدواج موقت، لذت جنسی (به ویژه لذت جنسی جنس مذکر) است، اما لسان دینی که آن را توصیف می‌کند، به گونه‌ای مناسب - یا نامناسب - جنبه زناشویی آن را مورد تأکید قرار می‌دهد».

در توضیح مناقشه باید یادآور شد: گرچه روایاتی چون: امام علی (ع) فرمود: «لولا ما سبقنی به عمر بن الخطاب ما زنی مومن» یا روایت امام صادق (ع) که فرمود: «لولا مانهی عنها عمر ما زنی الا شقی» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۱، ۱۱) اگر راه متعه باز می‌بود راه زنا بسته می‌شد، نباید پنداری نادرست از روایات تصور شود؛

برای رفع تعارض ظاهری بین این دو مطلب، می‌توان گفت: روایات متعه بر جنبه‌ی کارایی در رفع نیاز جنسی به صورت گسترده دلالت دارد؛ اما این روایات در محدودیت دایره کاربرد متعه استفاده می‌شود؛ نباید از این نکته غافل شد که زنا عمل جنسی در برابر ازدواج، پدیده نادر و غیرمعمولی است. در نتیجه، متعه جایگزین مطرح شده زنا نیز در همان محدوده و محدودیت کاربرد خواهد داشت. (شریفی، ۱۳۹۰، ۱۴۱)

از سویی دیگر متعه نیاز گروه گسترده‌ای از جامعه نیست بلکه راه‌حلی محدود و اضطراری برای رفع بحران نیاز جنسی در سطح جزئی است. اگر مقایسه‌ای میان روایات مربوط به متعه و ازدواج دائم انجام شود، با توجه به این که هر دو، ناظر به نیازهای جنسی و پاسخگویی به آن است، این حقیقت آشکار می‌شود که در اسلام برای رفع نیاز جنسی به صورت وسیع و در سطح کلان، ازدواج دائم نه متعه را پیشنهاد می‌کند. چنان که تعبیر الشباب، اعزب در روایات تکیه بر مجرد دارد. در نتیجه، گزینه متعه به موارد اضطراری نادر مثل مسافرت، جنگ و .. اختصاص می‌یابد. (شریفی، ۱۳۹۰، ۱۳۵-۱۴۰)

سیره پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) حکایت بر این دارد که در مواجهه با جوانان، ابتدا از کار و شغل و سپس از ازدواجشان سوال می‌نمودند؛ زمینه این دو را برایش فراهم می‌کردند؛ به رغم جواز ازدواج موقت در ارائه راهکارهای عمومی و شایع از توصیه به آن خصوصاً برای مرد و زنی که هنوز ازدواج نکرده‌اند، امتناع می‌ورزیدند. (باب‌زاده، ۱۳۷۹، ۲۶۵)

مضاف بر اینکه راهکار متعه اصلاً روشی فراگیر معرفی نشده است؛ رسول خدا (ص) صراحتاً می‌فرماید: «اگر نسبت به سنت ازدواج دائم بر پایه حفظ ارزش‌های انسانی قیام نکنید عرصه

زمین دچار بلیه‌ای بزرگ و فساد بی‌بنیان کن می‌شود (کلینی، ۵، ۳۷۴) و هرگز نفرمودند، مفسد و ابتذال علنی جامعه بازدواج موقت قابلیت درمان دارد. (میرخانی، ۱۳۷۹، ۱۶) اثبات این ادعا سنجیدن روایات دال بر استحباب متعه و ازدواج دائم را می‌طلبد. در حالیکه روایات استحباب ازدواج دائم تکیه‌گاه اصلی در تشویق، ترغیب، پاسخ به نیاز جنسی و جلوگیری از طغیان و سرکشی نیروی شهوت است. در روایات استحباب متعه تنها تأکید ضرورت جنسی است، هیچ‌گونه تشویقی به ازدواج موقت برای رفع آن دیده نمی‌شود؛ امامان  $\beta$  برای حفظ مشروعیت متعه و جلوگیری از تغییر حکم خدا و سنت رسول الله، به آن ترغیب کرده‌اند؛ آن را مظهر اطاعت الهی می‌شمارند.

مانند: بکر بن محمد نقل کرده است: «از امام صادق (P) درباره متعه گرفتن پرسیدم، فرمود: دوست ندارم برای مردی مسلمان که از دنیا برود، در حالی که یکی از سنت‌های رسول خدا K در ذمه‌اش باقی مانده و ادا نکرده است». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۱، ۱۳) محمد بن مسلم می‌گوید: «امام صادق (P) به من فرمود: متعه گرفته‌ای؟ عرض کردم: خیر. فرمود: پیش از آنکه از دنیا بروی، باید سنت را احیا کنی». (همان، ۱۵)

از اسماعیل بن فضل هاشمی نقل شده که امام صادق (P) به من فرمود: «آیا از وقتی که از نزد خانواده‌ات بیرون شده‌ای، متعه گرفته‌ای. عرض کردم: به دلیل همبستری زیادی که با همسر دائمی‌ام داشته‌ام؛ خداوند مرا از متعه بی‌نیاز کرده است. امام فرمود: گرچه بی‌نیاز باشی، من دوست دارم که سنت رسول خدا را احیا کنی». (همان، ۱۵، ح ۸)

آن جایی که نگارنده در بخشی از مقاله اظهار می‌دارد: «نمود شهری ازدواج موقت، به لحاظ فرهنگی چنین انگ زده شده و عموماً چنین درک شده که مشابه «روسپی‌گری مشروع» باشد»، اصلاً بین ازدواج موقت و فحشا تشابهی وجود ندارد؛ زیرا در متعه زن و مرد به جای روابط لجام گسیخته با دیگران فقط با یکدیگر رابطه خواهند داشت. (غفاری، ۱۳۸۲، ۲) فحشا هرج و مرج جنسی است؛ اما متعه رابطه‌ای سامان یافته است که از جهات زیادی مشابه نکاح دائم است؛ با هر زن شوهرداری یا محارم و... نمی‌توان عقد بست؛ علاوه بر این با اتمام زمان

متعّه، زن موظف به گذراندن عده است اما روسپی‌گری چنین نیست. (قائمی، بیتا، ۳۰۴؛ عزیزی تهرانی، ۱۳۷۹، ۹۸؛ مریم غفاری، ۱۳۸۲، ۱)

ازدواج موقت راهی بدون افراط و تفریط، ریاضت و رهبانیت یا هرج و مرج جنسی است؛ اسلام آن را خالی از هرگونه هوسرانی و بوالهوسی به بشر ارائه نموده است. (فرمایش، ۱۳۷۷، ۱) گرچه احتمال وجود چندین زن موقت برای مرد هست اما از دیدگاه ائمه هوسرانی مردان مردود است: علی بن یقطين می‌گوید: «از امام هفتم سوال کردم از متعه تو را با متعه چه کار است و حال آنکه خداوند تو را از آن بی‌نیاز ساخته است». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۴، ح ۱) در روایت دیگر امام (P) می‌فرماید: «متعّه حلال مباح مطلق است برای کسی که خدا او را به واسطه ازدواج بی‌نیاز ساخته است». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۴، ح ۲)

امام هشتم (P) در نامه‌ای به بعضی از موالیان خود می‌نویسد: «از اصرار ورزیدن بر متعه پرهیزید که بر شماست اقامه سنت رسول خدا K که ازدواج دائم است را بر پای دارید و بعد از تاکید بر عدم تحریص در آن می‌فرماید خود را به متعه مشغول نکنید تا اینکه نسبت به وظایف واجب خود درباره همسر و آزاد زنانی که با شما پیمان ازدواج دائم بسته‌اند غافل شوید و در نتیجه همسران شما از دین برگردند و بر آمر به متعه بد گویند و یا ابراز براءت و بی‌زاری کنند و یا لعن کنن». در بیان دیگر از امام رضا (P) اینگونه آمده: «متعّه حلال نیست مگر بر کسی که شناخت دقیق نسبت به آن دارد و حرام است بر کسی که جاهل به (احکام و شرایط) آن است». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۴، ح ۱۱)

## نتیجه

برخلاف تصور شهلا حائری ازدواج موقت در هیچ یک از متون فقهی اسلامی با عنوان قرارداد مالی ذکر نشده است؛ بلکه عقد دائم یا موقت پیوند زناشویی بین مرد و زن با تراضی طرفینی برای ایجاد یک اثر حقوقی طبق چهارچوب قوانین موضوعه است.

چنانچه اشاره شد، ازدواج موقت با تعیین مدت و مهریه مشخص می‌شود که به دلیل بالابردن حیثیت نکاح، تکریم و تاکید زن بر جایگاه وی در عقد ازدواج است نه آنکه آن را تبدیل به قرارداد مالی کند.

گرچه مقتضای ذات عقد نکاح زوجیت یا حلیت روابط زناشویی است، اما تمتع جنسی یکی از اغراض نکاح است نه علت تامه و منحصره آن. در ماهیت نکاح چنانچه شرط عدم روابط جنسی با توجه به لازم بودن عقد ازدواج موقت صحیح است.

ازدواج موقت سنتی تاریخی و مرسوم صدر اسلام می‌باشد؛ حکم اسلام، حکمی امضایی است نه تالیسی که اسلام پایه‌گذار آن باشد.

با وجود در دسترس بودن منابع دست اول نزدیک عصر نزول، نویسندگان برای تعریف متعه غرض ورزانه به دهخدا استناد کرده است که ارزش علمی مطالبش را به شدت کاسته است.

خانم حائری با مشابه خواندن ازدواج موقت و روسپیگری مشروع با استفاده از لحنی به دور از انصاف در ایجاد آگاهانه و تعمداً شبهه بر اسلام و مسلمین تلاش نموده است. در حالی که ازدواج موقت تنها راه حلی محدود و اضطراری برای رفع بحران نیاز جنسی در سطحی جزئی است نه به صورت وسیع و کلان و اصلاً به این ازدواج موقت و فحشا تشابهی وجود ندارد.

حاصل آن که به رغم نقاط مثبت و قوت مقاله ازغرض ورزی‌ها و کاستی‌های نویسندگان در امان نمانده است؛ تا جایی که توانسته بدان شبهه وارد آورده است. بررسی اشکالات حاکی از آن است که نویسندگان خود را صفر بی‌طرف قرار نداده، سپس به سراغ اسناد و مدارک بروی آورده؛ از طرف دیگر رجوع به منابع نیز با تعاریف علمی سازگار نیست که مقاله‌اش را از ارزش علمی ساقط می‌کند. حاصل آن که تاثیر تفکرات فمینیستی دکتر حائری در مقاله‌اش موج میزند و با



اسلام بیگانه است. امید است این مقاله گامی موثر در مسیر انجام رسالت زدودن شبهات از ساحت اسلام باشد.

## منابع

۱. ابراهیم پور، داوود، (۱۳۷۸)، گات‌ها، یشت‌ها، یسنا: نشر اساطیر.
۲. ابن منظور، لسان العرب، الدرالمصریه، للتالیف و الترجمة، بیتا، ۵.
۳. اسکندریلو، محمدجواد، (۱۳۸۲)، «معرفی و نقد دائره‌المعارف قرآن لیدن»، قبسات، ش ۲۹.
۴. اصفهانی، محمد حسین، (۱۴۱۸ق)، حاشیه‌المکاسب، قم، علمیه، قم.
۵. امامی، سید حسن، (۱۳۶۸)، حقوق مدنی، نشر کتاب فروشی اسلامیة،
۶. امینی، عبدالحسین، (۱۳۶۸)، الغدیر، محمد تقی واحدی، بنیاد بعثت، تهران.
۷. بابازاده، علی اکبر، (۱۳۷۹)، مراسم عروسی، چاپ سوم، نشر قدس، قم.
۸. بهار دوست، علیرضا، (۱۳۸۲)، «انتشارجلد سوم دائره‌المعارف قرآن لیدن»، کتاب ماه دین، ش ۱، آبان.
۹. بهجت، محمد تقی، (۱۳۸۶)، استفتائات آیت الله بهجت، دفتر معظم له، قم.
۱۰. حائری، سعید، (۱۳۸۰)، ازدواج موقت در حقوق ایران، انتشارات خاقانی، تهران.
۱۱. حائری، شهلا، صفحه شخصی دکتر؛  
[/www.bu.edu/dbin/womenstudies/faculty.php?name=Haeri](http://www.bu.edu/dbin/womenstudies/faculty.php?name=Haeri)
۱۲. حر عاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۹)، وسایل الشیعه، موسسه آل بیت، قم.
۱۳. حرعاملی، سید حسین یوسف مکی، (۱۳۴۲)، متعه در اسلام، ترجمه فارسی، دمشق.
۱۴. الحسینی، محمد مرتضی، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس جواهر القاموس، المجلد الحادی عشر، باب العین، فصل میم، تحقیق علی شیری، دارلفکر.
۱۵. الخلیل بی‌احمد، الفراهیدی، (۱۴۱۴ق)، کتاب العین، انتشارات اسوه.
۱۶. الخمینی، روح الله، (۱۹۷۷م)، توضیح المسائل فارسی، مشهد.
۱۷. خندق آبادی، حسین، (۱۳۹۲)، «ترجمه دائره‌المعارف قرآن لیدن به زبان فارسی»، روزنامه اطلاعات، ۱۱ مرداد.

۱۸. الخوری، سعید، اقرب الموارد، الجزء الثالث، باب میم، قم، نشر مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، بی تا.
۱۹. الرازی، فخرالدین، (۱۹۹۰)، التفسیر الکبیر؛ دار الکتب العلمیه، لبنان.
۲۰. الرازی، فخرالدین، (۱۹۹۰م)، التفسیر الکبیر؛ دار الکتب العلمیه، لبنان.
۲۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۵)، «بررسی دایره المعارف قرآن لیدن»، قرآن و مستشرقان، ش ۱.
۲۲. سجاد، محمد حسین، (۱۳۷۵)، نگرشی نو بر ازدواج موقت، ناشر: مولف، قم.
۲۳. شریفی، حسن، (۱۳۹۰)، ازدواج موقت و چالشها، بوستان کتاب، چاپ سوم، بی جا.
۲۴. شفائی، (۱۳۵۲)، متعه و آثار حقوق اجتماعی آن، چاپ ششم، تهران.
۲۵. شیخ الاسلامی، سید اسعد، (۱۳۷۰)، احوال شخصیه (ازدواج و پایان آن در مذهب)، نشر دانشگاهی، تهران.
۲۶. الصادقی، محمد، (۱۴۰۸ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن؛ انتشارات فرهنگ اسلامی، قم.
۲۷. صدوق، محمدابن بابویه، (۱۳۷۷)، من لا یحضر الفقیه، قمی، نشر صدوق.
۲۸. صفایی، سید حسین، اسدالله امامی، (۱۳۸۴)، مختصر حقوق خانواده، میزان، تهران.
۲۹. طریحی، مجمع البحرین، (۱۳۶۷)، مکتب نشر الثقافه الاسلامی، طهران.
۳۰. طنطاوی، ابن جوهر، (۱۳۵۰)، الجواهر؛ مصر.
۳۱. طوسی، محمدحسن، (بی تا)، تفسیر التبیان؛ ج ۳، المکتب الامین، النجف.
۳۲. عزیزی تهرانی، علی اصغر، (۱۳۷۹)، ازدواج و خانواده در کلام خدا، دارالثقلین، قم.
۳۳. غفاری، مریم، (۱۳۸۲)، «متعه حلال نا رواج»، سرنوشت مه آلود، نشریه همشهری.
۳۴. فرمایش، نصر لله، (۱۳۷۷)، آموزش زناشویی برای همسران جوان، نشر باربد، چاپ چهارم، تهران.
۳۵. فروخ، عمر، (۱۹۸۴م)، تاریخ جاهلیت، دارالعلم للملایین، بیروت.
۳۶. فضل الله، محمد حسین، (۱۹۹۸م)، تفسیر من وحی القرآن؛ دار الملائک، لبنان.
۳۷. الفیروز آبادی؛ محالدین، (بی تا)، القاموس المحیط، دارالمعرفه، بیروت / لبنان.

۳۸. قائمی، علی، (بی تا)، نظام تشکیل خانواده در اسلام، دارالتبلیغ اسلامی، قم.
۳۹. قنبرپور، بهنام، (۱۳۹۲)، «بررسی فقهی و حقوقی شروط ناظر بر روابط جنسی» شرط عدم تمکین»، مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال ششم، شماره دوازدهم.
۴۰. کتاب مقدس، (۱۳۶۵)، عهد عتیق و عهد جدید تورات و انجیل، ترجمه فارسی، انجمن کتب مقدس ایران، تهران.
۴۱. کتاب مقدس زرتشتیان، (۱۳۶۲)، اوستا، ترجمه جلیل دوستخواه، نشر مروارید، چاپ چهارم.
۴۲. الکلینی الرازی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۳ق)، فروع کافی، بی نا، بیروت.
۴۳. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۴)، قواعد عمومی قراردادها، شرکت سهامی انتشار، تهران.
۴۴. کاشف الغطاء، محمد حسین، (۱۳۴۷)، آیین ها، ترجمه مکارم شیرازی، قم.
۴۵. کریمی نیا، محمد مهدی، (۱۳۹۰)، «بررسی مقاله ازدواج موقت در دایره‌المعارف لیدن»، قرآن پژوهی خاورشناسان، ش ۱۰، بهار و تابستان.
۴۶. کریمی نیا، مرتضی، (۱۳۸۳)، «آشنایی با دائرةالمعارف قرآن»، گلستان کتاب، ش ۱۹۰.
۴۷. مارتن ورمازرن، آیین میترا، (۱۳۸۳)، نادرزاد بزرگ، چشمه، تهران.
۴۸. مبارک، محمد جرزی، (۱۳۶۴)، ابن اثیر، النهایه فی غریب الخدیث و الاثر، اسماعیلیه، قم.
۴۹. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۹۰)، حقوق خانواده، مرکز نشر اسلامی، تهران.
۵۰. محمد کمال الدین امام؛ (۱۹۹۶م)، الزواج و الطلاق فی الفقه الاسلامی؛ المؤسسة الجامعه للدراسات، لبنان.
۵۱. مدرسی، سید محمد تقی، (۱۳۷۹)، احکام خانواده و آداب ازدواج، ترجمه حمید رضا آژیر، محبان الحسین، تهران.
۵۲. المصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، الناشر مرکز نشر آثار العلامه المصطفوی باب حرف میم.

۵۳. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۶)، نظام حقوق زن در اسلام، صدرا، تهران.
۵۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۳)، تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۵۵. مودب، سیدرضا، (۱۳۸۷)، «نقدی بر دایره‌المعارف قرآن لیدن بر اساس آرا و مبانی شیعه»، فصلنامه پژوهشی شیعه‌شناسی، سال ششم، ش ۲۳.
۵۶. موسوی خمینی، روح الله، (بی تا)، البیع، موسسه اسماعیلیان، قم.
۵۷. -----، (۱۳۹۰)، تحریر الوسیله، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.
۵۸. میرخانی، عزت السادات، (۱۳۷۹)، مرز شناسی در ازدواج موقت، فصلنامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، شماره ۹.
۵۹. نجفی، محمد حسن، (۱۳۴۲)، جواهر الکلام، جامعه المدرسین، قم.
۶۰. هادی، اسماعیل، (۱۳۷۲)، دورنمای حقوقی ازدواج موقت، نشر فرهنگ اسلامی، تهران.

### منابع نویسنده مقاله

۱. امامی، سید حسن، (۱۳۴۲)، حقوق مدنی، دارالکتب اسلامی، تهران.
۲. امینی، عبدالحسین، (۱۳۷۲)، ترجمه الغدیر، چاپ دوم، قم.
۳. حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفر، شرایع الاسلام.
۴. خمینی، روح الله (۱۹۷۷م)، توضیح المسائل فارسی، مشهد.
۵. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۳۸)، لغت نامه دهخدا، تهران.
۶. شفائی، (۱۳۵۲)، متعه و آثار حقوق اجتماعی آن، چاپ ششم، تهران.
۷. طباطبائی، سید محمد حسین، شیعه در اسلام.
۸. طوسی، ابوجعفر، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی.
۹. عاملی، سید حسین یوسف مکی، (۱۳۴۲)، متعه در اسلام، ترجمه فارسی، دمشق..

۱۰. غضنفری، خود آموز لمعه.
۱۱. کاشف الغطاء، محمد حسین، (۱۳۴۷)، آیین ها، ترجمه مکارم شیرازی، قم.
۱۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۵۳)، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ هشتم، قم.
13. C. Snock Hurgronje: "Mekka in the latter part of the 19 th century", London, 1931, P. 12 – 13)
14. -R. Levy: "Interoduction to the Sociology of Islam" 2 vols, London, 1931 \_ 3. S. Murata, "Temporary Marriage (Mut'a) in Islamic", London, 1987. Haeri "Law of desire")
15. Sh. Haeri: "Law of desire. Temporary marriage in shi'i Iran", Syracuse, 1989 – 1993. -
16. -W. Robertson – Smith: "Kinship and marriage in early Arabia", Boston, 1903-W. Heffening: "Mut'a" EI 2, vol. vii, 757 \_ 9 -

## References

1. Ebrahimpour, Davood, (1378), Ghats, Yashts, Yasna: Asatir Publishing.
2. Ibn Manzoor, Arabic language, Egyptian language, for authorship and translation, Bitā, 5.
3. Iskanderloo, Mohammad Javad, (2003), "Introduction and Critique of the Leiden Encyclopedia of the Qur'an", Qabsat, p.29.
4. Isfahani, Mohammad Hussein, (1418 AH), Margin of Acquisitions, Qom, seminary, Qom.

- 5 .Emami, Seyed Hassan, (1989), Civil Law, Islamic Bookstore Publishing,
- 6 .Amini, Abdolhossein, (1368), Al-Ghadir, Mohammad Taghi Vahedi, Besat Foundation, Tehran.
- 7 .Babazadeh, Ali Akbar, (1379), Wedding Ceremony, third edition, Quds Publishing, Qom.
- 8 .Bahardost, Alireza, (2003), "Publication of the third volume of the Leiden Encyclopedia of the Qur'an", Book of the Month of Religion, Vol. 1, November.
- 9 .Behjat, Mohammad Taghi, (2007), Ayatollah Behjat's referendums, His Holiness's office, Qom.
- 10 .Haeri, Saeed, (2001), Temporary Marriage in Iranian Law, Khaghani Publications, Tehran.
- 11 .Haeri, Shahla, doctor's personal page; [/www.bu.edu/dbin/womenstudies/faculty.php?name=Haeri](http://www.bu.edu/dbin/womenstudies/faculty.php?name=Haeri)
- 12 .Free agent, Muhammad ibn al-Hassan, (1409), Shiite means, Al-Bayt Institute, Qom.
- 13 .Har'amli, Seyyed Hossein Yousef Maki, (1342), Mut'a in Islam, Persian translation, Damascus.
- 14 .Al-Husseini, Mohammad Morteza, (1414 AH), The Crown of the Bride, the Jewel of the Dictionary, Al-Hadi Ashar, Bab al-Ain, Chapter Meem, Tahqiq Ali Shiri, Dar al-

Fikr.

15 .Al-Khalil Bi Ahmad, Al-Farahidi, (1414 AH), Kitab Al-Ain, Aswa Publications.

16 .Al-Khomeini, Ruhollah, (1977), Explanation of Persian Issues, Mashhad.

17 .Khandaghabadi, Hossein, (2013), "Translation of Leiden Encyclopedia of the Quran into Persian", Information Newspaper, 11 August.

18 .Al-Khoury, Saeed, the nearest resources, the third part, Bab Meem, Qom, publication of the school of the great Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi, no.

19 .Al-Razi, Fakhreddin, (1990), Al-Tafsir Al-Kabir; Dar al-Kitab al-Alamiya, Lebanon.

20 .Al-Razi, Fakhreddin, (1990), Al-Tafsir Al-Kabir; Dar al-Kitab al-Alamiya, Lebanon.

21 .Rezaei Isfahani, Mohammad Ali, (2006), "Study of Leiden Quran Encyclopedia", Quran and Orientalists, Vol.

22 .Sajjad, Mohammad Hossein, (1375), A New Perspective on Temporary Marriage, Publisher: Author, Qom.

23 .Sharifi, Hassan, (2011), Temporary Marriage and Challenges, Book Garden, third edition, misplaced.



24 .Shafa'i, (1352), Mut'a and the effects of its social rights, sixth edition, Tehran.

25 .Shaykh al-Islami, Seyyed Asad, (1991), Personal Status (Marriage and its End in Religion), University Press, Tehran.

26 .Al-sadeghi, Muhammad, (1408 AH), Al-Furqan Fi Tafsir Al-Quran; Islamic Culture Publications, Qom.

27 .Saduq, Muhammad ibn Babawiyah, (1377), from the presence of the jurist, Qomi, published by Saduq.

28 .Safaei, Seyed Hossein, Assadollah Emami, (2005), Brief Family Law, Mizan, Tehran

29 .Tarihi, Bahrain Assembly, (1367), School of Islamic Culture Publishing, Tehran.

30. Tantawi, Ibn Johar, (1350), Al-Jawahir; Egypt.

31 .Tusi, Mohammad Hassan, (unpublished), Tafsir al-Tabyan; A3, Al-Muktab Al-Amin, Al-Najaf.

32 .Azizi Tehrani, Ali Asghar, (2000), Marriage and Family in the Word of God, Dar al-Thaqalin, Qom.

33 .Ghaffari, Maryam, (2003), "Unlawful lawful mut'ah", Foggy Fate, Hamshahri Magazine.

34 .Farmayesh, Nasrullah, (1998), Marital Education for Young Wives, Nashrbarbad, Fourth Edition, Tehran.

35 .Foroukh, Omar, (1984), History of Jahiliyyah, Dar al-Alam for Millions, Beirut.

36 .Fadlullah, Muhammad Hussein, (1998), Interpretation of the Revelation of the Qur'an; Dar al-Malak, Lebanon

37 .Al-Firoozabadi; Mahdaldin, (unpublished), Al-Qamoos Al-Muhit, Dar al-Ma'rifah, Beirut / Lebanon.

38 .Ghaemi, Ali, (Bita), The system of family formation in Islam, Islamic Propagation Office, Qom.

39 .Ghanbarpour, Behnam, (2013), "Jurisprudential and legal study of the conditions governing sexual relations (condition of disobedience)", Jurisprudential principles of Islamic law, sixth year, number twelve.

40 .Bible, (1365), Old Testament and New Testament Torah and Bible, Persian translation, Hebrew Bible Association, Tehran.

41 .Zoroastrian Bible, (1362), Avesta, translated by Jalil Dostkhah, Morvarid Publishing, fourth edition.

42 .Al-Kulini Al-Razi, Muhammad Ibn Ya'qub, (1413 AH), Foroo Kafi, Bina, Beirut.

43 .Katozian, Nasser, (1374), General Rules of Contracts, Anteshar Co., Tehran.

44 .Kashif al-Ghatta ', Mohammad Hussein, (1347), Rituals, translated by Makarem Shirazi, Qom.

45 .Kariminia, Mohammad Mehdi, (2011), "Study of Temporary Marriage in Leiden Encyclopedia", Quranic Studies of Orientalists, Vol. 10, Spring and Summer.

46 .Kariminia, Morteza, (1383), "Introduction to the Encyclopedia of the Qur'an", Golestan Kitab, p. 190.

47 .Martin Vermazern, Mithraism, (1383), Naderzad Bozorg, Cheshmeh, Tehran.

48 .Mubarak, Mohammad Jarzi, (1364), Ibn Athir, The End in Gharib Al-Khadith and Al-Athar, Ismaili, Qom.

49 .Mohaghegh Damad, Seyed Mostafa, (2011), Family Law, Islamic Publishing Center, Tehran.

50 .Muhammad Kamaluddin Imam; (1996), Marriage and Divorce in Islamic Jurisprudence; Al-Jamiat Institute for Studies, Lebanon.

51 .Modarresi, Seyed Mohammad Taghi, (2000), Family Laws and Marriage Rites, translated by Hamid Reza Azhir, Mahban Al-Hussein, Tehran.

52 .Al-Mustafawi, Research in the Words of the Holy Quran, Publisher, Center for Publishing the Works of Al-Mustafa Al-Mustafawi

53 .Motahari, Morteza, (1997), The system of women's rights in Islam, Sadra, Tehran.

54 .Makarem Shirazi, Nasser, (1363), Tafsir Nomoneh, Dar al-Kitab al-Islamiyya Publications.

55 .Modab, Seyed Reza, (2008), "A Critique of the Leiden Quran Encyclopedia Based on Shiite Opinions and Principles", Quarterly Journal of Shiite Studies, Year 6, Vol.

56 .Mousavi Khomeini, Ruhollah, (unpublished), Al-Bayy, Ismailian Institute, Qom.

57. (2011), .... Tahrir al-Waseela, Imam Khomeini Publishing House, Tehran.

58 .Mirkhani, Ezzat Sadat, (2000), Border Studies in Temporary Marriage, Quarterly Journal of Women's Cultural and Social Council, No. 9

59 .Najafi, Mohammad Hassan, (1342), Jawahar al-Kalam, Society of Teachers, Qom

60 .Hadi, Ismail, (1993), Legal Perspective of Temporary Marriage, Islamic Culture Publishing, Tehran.

### **Article author resources**

1. Emami, Seyed Hassan, (1342), Civil Law, Islamic Library, Tehran.

- 2 .Amini, Abdul Hussein, (1372), translated by Al-Ghadir, second edition, Qom.
- 3 .Hali, Najmuddin Abu al-Qasim Ja'far, Sharia al-Islam.
- 4 .Khomeini, Ruhollah (1977), Explanation of Persian Issues, Mashhad.
- 5 .Dekhoda, Ali Akbar, (1338), Dekhoda Dictionary, Tehran.
- 6 .Shafaei, (1352), Mut'a and the effects of its social rights, sixth edition, Tehran.
- 7 .Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein, Shiites in Islam.
- 8 .Tusi, Abu Ja'far, The End in the Single of Jurisprudence and Fatwas.
- 9 .Ameli, Seyyed Hossein Yousef Maki, (1342), Mut'a in Islam, Persian translation, Damascus..
- 10 .Ghazanfari, Lameh self-taught.
- 11 .Kashif al-Ghatta ', Mohammad Hussein, (1347), Rituals, translated by Makarem Shirazi, Qom.
- 12 .Motahari, Morteza, (1353), The system of women's rights in Islam, eighth edition, Qom.
- 13 .C. Snock Hurgronje: "Mecca in the latter part of the 19th century", London, 1931, P. 12 - 13(

- 14.R. Levy: "Interoduction to the Sociology of Islam" 2 vols, London, 1931 \_ 3. S. Murata, " Temporary Marriage (Mut'a) in Islamic ", London, 1987. Haeri " Law of desire(" 15 .Sh. Haeri: "Law of desire. Temporary marriage in shi'i Iran", Syracuse, 1989 - 1993- .
16. W. Robertson - Smith: "Kinship and marriage in early Arabia", Boston, 1903-W. Heffening: "Mut'a" EI 2, vol. vii, 757 \_ 9-